

The Role of Persian Poetry in the Holy Defense Memoir Writing Based on Five Works (*Daa, Man zendeam, An bist-o se nafar, Payee ke ja mand, Salam bar Ebrahim*)

Mohammad Behnamfar*

Abdollah Mohammadi**

Abstract

Memoir writing is a type of contemporary prose that has reached its pinnacle with novel-memoirs of the Holy Defense. One of the characteristics of these works is the use of poems. This research seeks to investigate the type, function and quality of the poems of these texts, using library resources and a descriptive-analytical method. To that end, five works that are more popular and are among the best examples of literature of resistance, namely *Daa, Man zendeam, An bist-o se nafar, Payee ke ja mand, and Salam bar Ebrahim*, were selected for analysis. The poems of these texts are mostly from classical Persian poets, which have four main themes: (1) courage of warriors and excitement of the audience, (2) captivity, homesickness, and sense of nostalgia, (3) acknowledgment of martyrs and warriors, and (4) consequences of war and destruction. Poetry in these works has an emotional-motivational function. The works depicting the early days of the war have epic poems and show the bravery of the warriors by drawing on national-religious themes. On the other hand, the spiritual atmosphere of the war made most of the poems used in these works be the mystical poems of Rumi. The poems of novel-memoirs of the prisoners of war show the sense of nostalgia of the prisoned warriors for their homeland, family, and martyred friends. The words “Karbala”, “martyr”, “blood” and “ash” are frequent in these poems, which shows the religious themes of defense and the destruction of war.

Keywords: Memoir Writing, Holy Defense, Function of Poetry, Nostalgia, Captivity

*Professor in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Birjand, Birjand, Iran. (Corresponding Author) mbehnamfar@birjand.ac.ir

**Ph.D. Student in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Birjand, Birjand, Iran. abdollahmohammadi@birjand.ac.ir

How to cite article:

Behnamfar, M., & Mohammadi, A. (2024). The Function of Persian Poetry in the Memoir Writing of the Holy defense Based on Five Works (*Daa, Man zendeam, An bisto se nafar, Payee ke ja mand, salam bar Ebrahim*). *Journal of Ritual Culture and Literature*, 3(1), 19-38. doi: [10.22077/jcrl.2023.6716.1057](https://doi.org/10.22077/jcrl.2023.6716.1057)





کارکرد شعر فارسی در خاطره‌نگاری‌های دفاع مقدس با تکیه بر پنج اثر «دا، من زنده‌ام، آن بیست‌وسه نفر، پایی که جا ماند، سلام بر ابراهیم»

محمد بهنام فر*

عبدالله محمدی**

چکیده

خاطره‌نگاری یکی از انواع نثر معاصر است که با رمان‌خاطره‌های دفاع مقدس به کمال خود نزدیک شده است. از خصایص این آثار، کاربرد اشعاری در ضمن متن آن است. این پژوهش به کمک ابزار کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، به دنبال بررسی نوع، کارکرد و کیفیت اشعار به‌کاررفته در این متون است. بر همین اساس پنج اثر «دا، من زنده‌ام، آن بیست‌وسه نفر، پایی که جا ماند و سلام بر ابراهیم» که پرمخاطب‌تر و از نمونه‌های اعلای ادبیات پایداری هستند برای تحلیل انتخاب شدند. اشعار این متون بیشتر از شاعران کلاسیک فارسی است و چهار زمینه محتوایی اصلی دارد: ۱- بیان دلآوری رزمندگان و تهییج مخاطب ۲- اسارت، غم غربت و حس نوستالژی ۳- تجلیل از شهدا و رزمندگان ۴- پیامدهای جنگ و ویرانی. شعر در این آثار، بیشتر کارکردی عاطفی-انگیزشی دارد که در دو نوع ادبی غنایی و حماسی جای می‌گیرد. آثاری که تصویرگر روزهای آغازین جنگ هستند، اشعاری حماسی دارند و شجاعت رزمندگان را با تکیه بر بن‌مایه‌های ملی-مذهبی نشان می‌دهند. از سوی دیگر فضای معنوی جنگ، باعث شده اشعار عرفانی مولانا بیشترین بسامد را در این آثار داشته باشد. اشعار رمان‌خاطره‌های اسرا نشانگر حس نوستالژی رزمندگان اسیر نسبت به وطن، خانواده و یاران شهید است. «کربلا»، «شهید»، «خون» و «خاکستر» از واژه‌های پربسامد این اشعار است که نشان‌دهنده بن‌مایه‌های مذهبی دفاع و ویرانی‌های جنگ است.

کلیدواژه‌ها: خاطره‌نگاری، دفاع مقدس، کارکرد شعر، نوستالژی، اسارت.

*استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول)
mbehnamfar@birjand.ac.ir

**دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران
abdollahmohammadi@birjand.ac.ir

۱. مقدمه

فرهنگ و پیشینه تمدنی فارسی‌زبانان با شعر پیوندی عمیق و ناگسستنی دارد. در طول تاریخ، فلاسفه، عرفا، متکلمان، دانشمندان و حتی مردم عادی برای برقراری ارتباطی مؤثرتر با مخاطب، از شعر بهره‌ها برده‌اند. حتی در متونی که صرفاً ادبی نیستند و بحث‌های مهم فلسفی و علمی را مطرح می‌کنند می‌توانیم رد پای شعر را ببینیم. رسانگی بی‌نظیر زبان شعری (بلاغت شعر) و ارزشمندی و تقدس آن نزد مخاطب از دلایل اصلی این امر است.

تاریخ دقیق ورود شعر به نثر و امتزاج این دو شیوه بیان به‌روشنی مشخص نیست. تقدم تاریخی شعر بر نثر (نثر مکتوب) و حضور پرقدردان آن در مبانی اعتقادی و اندیشه کهن بشری، به‌ویژه کتب دینی و اسطوره‌های پیشینیان امری واضح است. از دیرباز نویسندگان متون نثر، چه ادبی و چه غیرادبی، سعی در آوردن شاهد مثال‌های شعری داشته‌اند. یکی از ویژگی‌های متون نثر کهن به‌ویژه متون نثر فنی، کاربرد شعر در آن‌هاست. این اشعار در ابتدا به‌منظور تأیید و تأکید مطلب گفته می‌شد و بسیار مناسب و به‌جا به کار می‌رفت اما به تدریج از تناسب ابیات با متن کاسته شد به‌طوری‌که در نثرهای فنی، نویسنده به دنبال آن بود تا به هر بهانه‌ای اشعاری در متن وارد کند (کرمی، ۱۳۹۸: ۱۶).

تا قرن پنجم هجری ذکر مطالب خارجی از قبیل استشهاد از نظم فارسی و تازی و استدلال به آیات و تمثیل بسیار نادر و کمیاب است؛ چنانکه در تمام دوره تاریخ بلعمی، ترجمه تفسیر طبری، تاریخ گردیزی، تاریخ سیستان و... یک شعر به‌عنوان شاهد مثال ذکر شده است؛ اما در تاریخ بیهقی حکایات، تمثیلات و اشعاری به مناسبت تاریخ برای شاهد مدعا و افزونی پند و عبرت آورده است. اگرچه این شاهد مثال‌ها مانند کتب بعد از قبیل کلیله و دمنه و مقامات حمیدی به حد افراط نیست، اما افتتاحی است در آوردن مثال و ذکر شواهد شعری و تقلیدی است از نثر فنی عرب که در قرن چهارم در بغداد اختراع شد و پس از قرنی به خراسان نیز سرایت کرد (شمیسا، ۱۳۸۷: ۵۰).

از اواسط قرن پنجم هجری استعمال شعر در ضمن نثر میان نویسندگان رواج یافت و این امر وسیله اطناب سخن و حسن تأثیر آن شد و تا دیرگاهی در نثر پارسی باقی ماند (صفا، ۱۳۸۱: ۸۸۰). نویسندگان در دوره‌های مختلف با اهدافی خاص، اشعاری را در متون نثر آورده‌اند. کاربرد شعر در متون نثر ابزاری بود در جهت ابراز مهارت در هنر نویسندگی و نشان دادن وسعت دایره معلومات و قدرت حافظه، پرمایه ساختن سخن و تأکید موضوع و معنی (خطیبی، ۱۳۷۵: ۶۰). بر همین اساس برخی از مهم‌ترین اهداف نویسندگان از آوردن شعر در ضمن متن را می‌توان موارد زیر دانست:

۱. تعلیم و آموزش؛ جایگزین شدن آسان مطلب در ذهن مخاطب به علت آهنگین بودن شعر

۲. اثبات مدعا (ارزشمندی شاعران و تقدس شعر در نزد مخاطب باعث پذیرش

راحت‌تر موضوع می‌شود)

۳. اظهار فضل (نشان‌دادن حافظه قوی، تسلط بر متون شعری گذشته)

۴. تنفس ذهنی مخاطب در میانه متون سنگین فلسفی، کلامی، عرفانی و...

۵. استفاده از جنبه عاطفی و احساسی شعر برای تأثیر بیشتر بر مخاطب و یا تهییج

او

۶. تزئین و تلطیف متن

گلستان سعدی از موفق‌ترین آثار زبان فارسی در آوردن شاهد مثال شعری است. این شاهکار ادبیات فارسی، اوج تناسب تلفیق نظم و نثر است. «گلستان نثری است که خصوصیات لفظی و معنوی نظم را در خود حل کرده و نظم‌ی است که سادگی و روشنی نثر را دربر دارد. روی هم‌رفته آمیخته‌ای است از نظم و نثر و تناسب و ترکیب آن‌ها محفوظ است» (خزائلی، ۱۳۶۶: ۶۶).

اگرچه در متون نثر معاصر به‌ویژه ادبیات داستانی، به‌عنوان نوع غالب نثر معاصر، بهره‌گیری از شاهد مثال‌های شعری، کم‌تر مورد توجه بوده اما برخی نویسندگان هنوز به آن پایبند مانده‌اند و در آثار آن‌ها تلفیق نظم و نثر را می‌بینیم. در آثاری مانند ترجمه ماجرای حاجی بابای اصفهانی، چرندوپرنده‌ها، برخی آثار جمال‌زاده، آثار عبدالحسین وجدانی و... نمونه‌هایی از تلفیق نظم و نثر وجود دارد.

خاطره‌نویسی یکی از انواع نثر معاصر است که آن را از فروغ زندگی‌نامه‌نویسی دانسته‌اند. خاطره‌نگاری، روایت رویدادهایی است که نویسنده خاطره شاهد وقوع آن‌ها بوده است و یا آن‌ها را از افراد آگاه شنیده و به خاطر سپرده است. «به‌طور کلی خاطره بازتاب حادثه‌ای است واقعی که در گذشته اتفاق افتاده، بر ضمیر نقش بسته و در زمان‌های مقتضی تداومی شده است (ترکی، ۱۳۹۵: ۱۹۷)؛ به عبارت دیگر «خاطره‌نویسی عبارت است از یادآوری و نگارش شرح حالات و حوادث و ماجراهای گذشته که در زمان و مکان معلوم و معین به وقوع پیوسته و به‌واسطه مشاهده و استماع یا حضور، از کیفیت وقوع آن اطلاع حاصل گردیده است» (همان، به نقل از کمری، ۱۹۷). در نگارش خاطره، سبک و سیاق ویژه‌ای وجود ندارد. آنچه اهمیت دارد، بیان روایی خاطره است که به آن سرشت داستانی می‌بخشد. خاطره‌نویسی ژانری است که در طول تاریخ ادب فارسی نسبت به قصه و داستان، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این نوع ادبی تا پیش از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی بیشتر به سیاستمداران و افراد حکومتی منحصر بوده است. با جریان انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی، خاطره‌نویسی به تدریج در میان مردم رواج پیدا کرد. خاطره‌نگاری در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۶۷-۱۳۵۹) و سال‌های بعد از آن به لحاظ کمی و کیفی در ادبیات دفاع مقدس جایگاه مهمی پیدا کرد و منشأ ادبیات جنگ قرار گرفت تا جایی که بیشتر آثار مکتوب مربوط به دفاع مقدس را آثار خاطره‌نگاری تشکیل می‌دهد. پس از جنگ و توجه یک‌باره بسیاری از رزمندگان به ثبت

خاطرات خود از دوران دفاع مقدس، این ژانر جانی تازه یافته است. حجم زیاد آثار چاپ‌شده در این ژانر اقتضا می‌کند تا پژوهشگران با موازین علمی به بررسی چستی این نوع ادبی پردازند. خاطره‌نویسته ماهیتی دوگانه دارد که بخشی از آن برگرفته از تاریخ و بخش دیگر آن مربوط به داستان است. هر خاطره‌نویسته با توجه به شگردهایی که در آن به کار رفته، به یکی از این دو ژانر گرایش دارد.

از جمله خاطرات برجسته دفاع مقدس که از نمونه‌های اعلای ادبیات پایداری به‌شمار می‌آیند می‌توان به کتاب‌های «دا»، «من زنده‌ام»، «پایی که جا ماند»، «آن بیست‌وسه نفر» و... اشاره کرد. این کتاب‌ها که بیشتر به شکل رمان-خاطره هستند در مدت کوتاهی پس از انتشار مورد توجه مخاطبان قرار گرفته‌اند و چندین بار تجدید چاپ شده‌اند. یکی از خصایص این آثار، کاربرد اشعاری در ضمن متن آن‌هاست. با توجه به آنچه پیش‌تر گفته شد کاربرد شعر در نثر فارسی سابقه‌ای طولانی دارد و در هر دوره‌ای اهدافی متفاوت را دنبال کرده است، کارکرد شعر در این آثار نیز با دوره‌های قبل متفاوت است. اگر در دوره‌های قبل مسائلی همچون آموزش مخاطب و اظهار فضل از اهداف اصلی نویسندگان در آوردن اشعار بوده، در این متون بیشتر جنبه عاطفی و انگیزشی شعر مورد توجه نویسندگان است.

۱-۱. سؤالات و روش پژوهش

در این پژوهش با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی به دنبال آن هستیم تا به سه سؤال اساسی درباره اشعار موجود در متون خاطره‌نگاری جنگ پاسخ دهیم:

۱. اشعار موجود در خاطره‌نگاری‌های جنگ بیشتر برای بیان چه موضوعاتی به متن افزوده شده‌اند؟

۲. از آثار کدام شاعران زبان فارسی (کلاسیک، معاصر) شواهد بیشتری آمده است؟

۳. کیفیت ادبی این اشعار در چه سطحی است؟

برای پاسخ به این سؤالات و درک بهتر جایگاه شعر و کارکرد آن در این آثار، پنج اثر برتر از انواع مختلف خاطره‌نگاری دفاع مقدس (خاطرات رزمندگان شهید، اسرا، خاطرات زنان و...) را انتخاب کرده‌ایم.

۱. «دا» خاطرات سیده زهرا حسینی؛ به قلم سیده اعظم حسینی، اثری رئالیستی است که خاطرات جنگ تحمیلی را از زبان زنی که در جنگ حضور داشته است، بیان می‌کند. این کتاب، خاطراتی از جنگ است، اما عناصر داستانی زیادی نیز در خود دارد و از همین رو شکل و شمایل رمانی بلند نیز به خود گرفته است. «دا» خاطرات جنگ و روایت زندگی حسینی در دو شهر بصره و خرمشهر است.

۲. «من زنده‌ام» خاطرات اسارت معصومه آباد است؛ داستانی واقعی از اسارت چهارساله چهار زن ایرانی به دست نیروهای ارتش عراق. نویسنده روایتگر اسارت خود و سه زن دیگر به نام‌های فاطمه ناهیدی، شمسی بهرامی و حلیمه آزموده است.

۳. «آن بیست و سه نفر» به قلم احمد یوسفزاده، خاطرات بیست و سه نفر نوجوان ایرانی که از مناطق مختلف به جبهه اعزام شدند و در اسارت یکدیگر را شناختند. این نوجوانان در برابر صدام که تصمیم داشت از آنان استفاده تبلیغاتی ضد ایران انجام دهد، مقاومت کردند و در نهایت پیروز شدند.
۴. «سلام بر ابراهیم» مجموعه خاطرات از زندگی شهید ابراهیم هادی.
۵. «پایی که جا ماند» خاطرات جانباز آزاده سید ناصر حسینی پور که با پای مجروح اسیر می‌شود و در نهایت پایش را از دست می‌دهد و خاطرات خود را روی تکه‌های کاغذ سیگار و... می‌نویسد و در عصا پنهان می‌کند.

۲-۱. پیشینه پژوهش

در زمینه خاطره‌نگاری‌های دفاع مقدس، پژوهش‌های بسیاری در قالب کتاب و مقاله منتشر شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: کتاب *خاک و خاطره* (به کوشش احمد دهقان، ۱۳۸۹)، بخشی از کتاب *ادبیات دفاع مقدس* (به کوشش دکتر محمدرضا سنگری، ۱۳۸۹)، کتاب *خاطره‌نویسی در زیست بوم دفاع مقدس* (نوشته مسعود امیرخانی، ۱۴۰۱) و کتاب *گامی در جهت علمی شدن خاطره‌نویسی* (مجموعه مقالات به کوشش فروغی جهرمی، ۱۳۸۳). در مجموع، این آثار پس از بیان تاریخچه مختصری از خاطره‌نگاری دفاع مقدس، به تحلیل نمونه‌هایی از آن پرداخته‌اند. در برخی موارد نیز برای خاطره‌نگاری، چهارچوب و اصولی معین را مطرح کرده‌اند که نقشه راهی برای خاطره‌نویسان آینده باشد. علاوه بر این کتاب‌ها، مقالات بسیاری درباره آثار خاطره‌نگاری دفاع مقدس به چاپ رسیده است که برخی از آن‌ها به تحلیل موردی آثار خاطره‌نگاری پرداخته‌اند و برخی با نگاهی کلی، خاطره‌نگاری دفاع مقدس را نقد کرده‌اند. مقاله «نگاهی دیگر پیرامون خاطره: خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی دفاع مقدس» (علیرضا کمری، ۱۳۹۰)، مقاله «خاطره‌نویسی در ادبیات انقلاب اسلامی» (ناصر نیکوبخت، ۱۳۹۵)، مقاله «آسیب‌شناسی خاطره‌نویسی جنگ» (محمود رنجبر، ۱۳۹۵)، مقاله «همگرایی معنایی میان شعر و داستان دفاع مقدس» (غلامرضا کافی، ۱۳۹۱) و... با بررسی منابع پژوهشی و پایگاه‌های اطلاعاتی مشخص شد که تاکنون در زمینه کارکرد شعر فارسی در خاطره‌نگاری‌های دفاع مقدس پژوهشی جداگانه و مستقل صورت نگرفته است و این زمینه نیازمند پژوهشی همه‌جانبه است تا نوع و کارکرد و موضوع اشعار این آثار را مشخص کند.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. کارکرد موضوعی شعر

شعر به‌عنوان گونه فاخر و برتر سخن در همه ادوار ادبیات فارسی مورد توجه بوده است. حتی کسانی که خود ذوق شعری بالایی نداشته‌اند، به دنبال بهره‌مندی از شعر و کارکردهای

آن بوده‌اند. آهنگین بودن کلام شعری در نگاه نخست و دارا بودن عاطفه و احساس دو دلیل اصلی تأثیرگذاری آن بر مخاطب است. همان‌طور که پیشتر گفته شد انگیزه نویسندگان از آوردن شاهد مثال‌های شعری در متون نثر هر دوره، متفاوت بوده است. مهم‌ترین این کارکردها تعلیم و آموزش، اظهار فضل، تزئین و تلطیف متن و تنفس ذهنی مخاطب در میانه متون سنگین است. در آثار خاطره‌نگاری دفاع مقدس با اشعاری روبه‌رو هستیم که یا توسط خود نویسنده به متن اضافه شده‌اند و یا شخصیت‌های خاطره آن را بر زبان آورده‌اند؛ از سوی دیگر برخی از این اشعار سروده شاعران دوران دفاع مقدس و برخی دیگر از ادبیات کلاسیک فارسی گرفته شده‌اند. «شعر دفاع مقدس را می‌توان در هفت زیرنوع غنایی بررسی کرد که به ترتیب بسامد عبارت‌اند از: سوگ‌سرایی، تکریمی (ستایشی)، توصیفی، انتقادی، انگیزشی، عاشقانه و عرفانی» (ترکی، ۱۳۹۵: ۱۳۳). شعر در این متون، برخلاف گذشته کارکردهایی نظیر آموزش مخاطب، اظهار فضل و یا تزئین متن ندارد و کارکردی بسیار متنوع و متفاوت با گذشته دارد. با توجه به محتوای کتب خاطره‌نگاری دفاع مقدس، ما برای تحلیل دقیق‌تر، این انواع را به چهار حوزه مفهومی زیر تقسیم کرده‌ایم:

۱- بیان دلاوری رزمندگان و تهییج مخاطب (اشعار حماسی و شعارگونه)

۲- بیان اوضاع اسارت غم غربت (اسیری) و حس نوستالژی نسبت به وطن

۳- تجلیل از مقام والای شهدا و رزمندگان

۴- بیان پیامدهای دردناک جنگ و ویرانی‌های آن

۲-۱-۱. بیان دلاوری رزمندگان و تهییج مخاطب (اشعار حماسی و شعارگونه)

در حالی که کشور هنوز در حال تحکیم پایه‌های انقلاب اسلامی و مبارزه با عناصر تجزیه‌طلب بود، حمله ناگهانی و سنگین دشمن بعثی علاوه بر شهادت عده زیادی از هم‌وطنان ما، باعث تخریب بسیاری از زیرساخت‌ها شد. در این شرایط ایران نیازمند نیرویی بود تا بتواند در برابر دشمن بایستد و جلوی تخریب بیشتر را بگیرد. در ماه‌های اولیه جنگ به علت عدم انسجام نیروی نظامی، بهترین راه دفاع از کشور بهره‌گیری از قدرت مردم و تهییج آن‌ها به‌ویژه جوانان بود. رهبران عالی کشور، علماء، شاعران و نویسندگان، چهره‌های شاخص ورزشی و هنری، واعظان بزرگ، نوحه‌خوانان و... همه در پی آن بودند تا با بهره‌گیری از نیروی مردم انقلابی، دشمن بعثی را به عقب برانند. «علاقه به ثبت رخدادهای جبهه و تهییج و تشویق مردم به حضور در صحنه‌های دفاع سبب شد که از همان آغازین روزهای تجاوز عراق به ایران، شاهد نوشتن و نقل خاطرات جنگ و دفاع در نشریات باشیم. نویسندگان این نوع خاطرات بیشتر رزمندگانی بودند که خود به‌طور مستقیم، در جبهه‌ها حضور داشتند» (ترکی، ۱۳۹۵: ۲۱۰). اشعاری که در این دوره (به‌ویژه توسط نوحه‌خوانان معروف) در جامعه رواج پیدا کرد و بعدها به خاطره‌نگاری‌ها راه یافته است، اشعاری حماسی بود تا بتواند احساسات ملی و مذهبی افراد را برانگیزد و آنان را به

دفاع از وطن و مذهب دعوت کند. برخی از این اشعار بن‌مایه‌ای مذهبی (بیشتر دربارهٔ حادثه عاشورا) و بعضی بن‌مایهٔ ملی و وطن‌پرستانه داشتند؛ علاوه بر این موضوعات، بیان شجاعت و دلاوری رزمندگانی که با کمترین امکانات توانسته بودند در برابر دشمن ایستادگی کنند، موضوع بسیاری از اشعار بود.

در بین انواع ادبی، حماسه بیشترین کاربرد را در حوزهٔ ادبیات پایداری دارد. هنگام وقوع حادثه، تکیه بر مفاخر کهن و تحریک عواطف و غرایز در آثار ادب حماسی نمودار می‌شود، چنانکه در دوره‌های مختلف تاریخ ایران هنگام غلبهٔ احساسات ملی آثاری چون شاهنامه خلق شده است (سنگری، ۱۳۷۷: ۳۶). آن دسته از کتاب‌های خاطره‌نگاری که در آن‌ها صحنهٔ روزهای آغازین جنگ دیده می‌شود با نوعی شعر حماسی مواجهیم که رفتار دلیرانهٔ رزمندگان را با تکیه بر بن‌مایه‌های ملی و مذهبی به تصویر کشیده است.

تاریخ ادبیات دیگر ملت‌ها در جنگ اغلب بر ناسیونالیسم و روح وطنی تکیه دارد. مثلاً ادبیات ویتنام بر ناسیونالیسم ویتنامی، فرانسه بر تاریخ و روح تمدن فرانسوی و شعر مقاومت روسیه بر «انسان روسی و سرزمین روسیه» تکیه دارد؛ اما در ایران تکیه‌گاه، ایدئولوژی و مذهب است با نگرش نو و هنجارهای جدید اندیشگی در حوزهٔ دین و مذهب (صنعتی، ۱۳۸۹: ۲۲). اشعار این بخش را می‌توان در سه زمینهٔ معنایی بیان شجاعت و نهراسیدن از مرگ، برانگیختن احساسات مذهبی و پیروی از رهبری جای داد. -شجاعت، نهراسیدن از مرگ و مقاومت در برابر دشمن:

تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ
او زمن دلقی ستاند رنگ رنگ
(آباد، ۱۳۹۳: ۱۱۷)

فریاد اباذرها ره بسته به بیگانه
(حسینی، ۱۳۸۸: ۶۸۱)

دست خود زجان شستم از برای آزادی
(یوسف‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۴)

مردار بود هرآنکه او را نکشند
(حسینی‌پور، ۱۳۹۱: ۲۶۶)

به جهانی ندهم ذرهٔ خاک وطنم
(همان: ۱۶۵)

وز پای فتاده سرنگون باید رفت
(همان: ۵۰)

قطار که بالا سرم پراز فشنگه
بعد مه شی نکنن و دشمنونم
(حسینی، ۱۳۸۸: ۲۱۱)

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی
من از او جانی ستانم جاودان

تا سر به بدن باشد، این جامه کفن باشد

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی

گر عاشق صادقی زمردن مهراس

به خدا دشمن اگر قطع کند سر زتنم

گرمرد رهی میان خون باید رفت

دایه دایه وقت جنگه، دایه دایه وقت جنگه
کاغذی بنیسنم و دختر ونم

- برانگیختن احساسات مذهبی (بیشتر با تکیه بر حادثه کربلا):

مولا اگر در کربلا نبودیم، حسین جان اکنون همه گوئیم یکسر لیک	تا یاریت از جان می‌نمودیم مولا حسین لب تشنه بی‌سر لیک (همان: ۸۶)
هنوز از کربلایت به گوش آید صدایت	حسین جانها فدایت حسین جانها فدایت (حسینی‌پور، ۱۳۹۱، ۳۰۵)
تنگه هرمز را کربلا می‌کنیم	سوپر اتانداد را دود هوا می‌کنیم (همان: ۳۷۴)
مهدی یا مهدی، به مادرت زهرا(س)	امشب امضا کن، پیروزی ما را (گروه فرهنگی شهید هادی، ۱۳۹۹: ۸۵)

- وجوب پیروی از رهبری و ادامه راه شهدا:

اگر عالم همه با ما ستیزند اگر شویند با خون پیکرم را اگر با آتش و خون خو بگیرم	اگر با تیغ خونم را بریزند اگر گیرند از پیکر سرم را زخط سرخ رهبر برنگردم (گروه فرهنگی شهید هادی، ۱۳۹۹: ۲۳۴)
فرمانده شهیدم! فرمانده شهیدم	راهت ادامه دارد (همان: ۸۰)
ای از سفربرگشتگان	کو شهیدانتان، کو شهیدانتان؟ (همان: ۲۱۱)

ترس از مرگ امری طبیعی است که برای حفظ جان در وجود هر انسانی قرار گرفته است. اگر نتیجه مرگ، بهره‌مندی از نعمت‌ها و همنشینی با نیکان باشد، هراس از آن معنی نخواهد داشت و حتی فرد برای رسیدن به آن مشتاق خواهد بود. این اشتیاق دو دلیل اصلی دارد، یکی علاقه به داشته‌ها (خانواده، وطن، دین) و تلاش برای حفظ آن‌ها و دیگری آرزوی رسیدن به مقام شهادت. «در میان نماد و نموده‌های مذهب که در ادبیات دفاع مقدس متجلی است، موضوع کربلا، امام حسین(ع) و عاشورا، انتظار آخرالزمان و حضرت ولی عصر(عج) و نماز و عبادت بیشترین جلوه را دارد» (کافی، ۱۳۹۱: ۱۸۵). این ابیات با بیانی حماسی سعی می‌کند مخاطب را به مبارزه با دشمن تشویق و ترغیب کند. دو کلمه «کربلا» و «شهید» از کلمات پرکاربرد این اشعار است که نشان‌دهنده بهره‌گیری از بن‌مایه‌های مذهبی است. کاربرد کلماتی مانند آزادی، وطن و تنگه هرمز نیز بن‌مایه‌های ملی این اشعار است. با توجه به بافت فرهنگی جامعه ایران در آن زمان و همچنین نزدیکی زمان جنگ به ایام انقلاب اسلامی، جنبه مذهبی وجه غالب و مقایسه جنگ با حادثه کربلا و اقتدای رزمندگان جنگ به شهدای کربلا از مضامین اصلی این اشعار است.

۲-۱-۲. حس نوستالژی (غم غربت و از دست دادن عزیزان)

ناخرسندی از زمان یا مکان حاضر، شاخصه‌ای است که می‌توان آن را در بسیاری از افراد

دید. این امر موجب ظهور پدیده روی گردانی و گریز از زمان یا مکان حاضر می‌شود. انسان همواره در تلاش است برای رهایی از وضع نامطلوب کنونی خود جایگزینی پیدا کند؛ او مطلوبش را گاه در پناه بردن به گذشته و گاه در رؤیای آینده جست‌وجو می‌کند. نوستالژی اصطلاحی است که از روان‌شناسی وارد ادبیات شده است و به‌طور کلی حالتی است که در آن شاعر یا نویسنده، خاطرات گذشته یا سرزمینی که یادش را در دل دارد، از روی حسرت و درد ترسیم کند (محمدی، ۱۳۹۲: ۹).

هرگاه عرصه زندگی چنان بر انسان تنگ شود که او نتواند از آنچه دارد لذت و رضایتی حاصل کند، مسیر آرمان‌جویی و آرزومندی را طی می‌کند. آرمان‌های انسانی یا پیش‌رو قرار می‌گیرند یا پشت سر می‌مانند. هرگاه ذهن به گذشته رجوع کند و اسباب رهایی خود از دل‌تنگی را در گذشته جست‌وجو نماید، حسرت گذشته یا نوستالژی در او پدید می‌آید؛ در واقع نوستالژی احساسی ناخودآگاه است که تحت تأثیر عواملی چون از دست دادن اعضای خانواده، حبس و تبعید، مهاجرت از کاشانه، یادآوری خاطرات کودکی و جوانی، غم و درد پیری و اندیشیدن به مرگ شکل می‌گیرد (شریفیان، ۱۳۸۶: ۵۱).

جنگ با مفاهیمی چون غربت، جدایی، از دست دادن عزیزان و غم دوری از سرزمین مادری همراه است. آوارگی و ویرانی محصول تمام جنگ‌هاست. بخش عمده‌ای از آثار خاطره‌نگاری جنگ نیز به بیان همین حوادث پرداخته است. نویسندگان این آثار برای پردازش بهتر صحنه‌ها از شعر کمک گرفته‌اند؛ صحنه‌هایی چون شهادت عزیزان، ویرانی شهر محل زندگی، لحظه خروج اسیر از خاک ایران و جدایی از هم‌زمان. در سرتاسر رمان *خاطره من زنده‌ام*، حس غربت با بیانی بسیار تأثیرگذار بازتاب یافته است. شخصیت اصلی این خاطره که دختری هفده‌ساله است سختی‌هایی را تحمل کرده است که حتی مردان قوی را به تسلیم وادار می‌کند؛ شاهد مثال‌های شعری که در بین متن آمده است نشان‌دهنده آشنایی نسبی نویسنده با شعر فارسی است. او هر جا که احساس کرده است می‌تواند با شعر تأثیر سخن خود را بیشتر کند از آن بهره گرفته است. بیشترین اشعار به‌کاررفته در این بخش به موضوع از دست دادن عزیزان اشاره دارد و برخی اشعار نیز غم غربت و پاره‌ای دیگر هم بحث توکل را بازگو می‌کنند.

- از دست دادن عزیزان:

یاران چه غریبانه، رفتند ازین خانه ای وای که یارانم گل‌های بهارانم (حسینی، ۱۳۸۸: ۶۸۱)	یاران چه غریبانه، رفتند ازین خانه ای وای که یارانم گل‌های بهارانم (حسینی، ۱۳۸۸: ۶۸۱)
بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران یوسف نام نهادند و به گرگت دادند من که قدر گهر پاک تو می‌دانستم مزرگ، گرگ تو شد ای یوسف کنعانی من ز چه مفقود شدی ای گهر کانی من (همان: ۴۱۷)	بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران یوسف نام نهادند و به گرگت دادند من که قدر گهر پاک تو می‌دانستم مزرگ، گرگ تو شد ای یوسف کنعانی من ز چه مفقود شدی ای گهر کانی من (همان: ۴۱۷)

که مرا دیدن تو بهتر از ایشان تو مرو
گر رود این فلک و اختر تابان تو مرو
گر رود صفوت این طبع سخندان تو مرو
خوفم از رفتن توست ای شه ایمان تو مرو
ور مرا می‌نبری با خود از این خوان تو مرو
در خزان گر برود رونق بستان تو مرو
ای شده لعل ز تو سنگ بدخشان تو مرو
(همان: ۱۴۸)

ز دست رفت روزی که مسلسل زدست رفت
این گرد چهره از روزیست که مسلسل زدست رفت
پاشید تمام غرورم و فرصت زدست رفت
باذلتی چو خار زنده‌ایم و شهادت زدست رفت
باقامتی چو سراپا ایستاد و جانش زدست رفت
(حسینی پور، ۱۳۹۱: ۴۹۵)

از جانب من بیوس رویش
(همان: ۴۵۰)

به قربانت کنم هرچه بخواهی
(همان: ۴۵۰)

تا باد برد سوی وطن بوی تنم را
(همان: ۲۸۵)

در بخشی از رمان خاطره «پایی که جا ماند» نویسنده خطاب به مأمورین صلیب سرخ که برای بررسی اوضاع اسرا و اعلام لیست آنان به اردوگاه مراجعه کرده‌اند این شعر شهباز را می‌خواند:

بی‌وفا حالا که من افتاده‌ام از پا چرا
سنگ‌دل این زودتر می‌خواستی حالا چرا
(حسینی پور، ۱۳۹۱: ۶۸۰)

آنکه آورد مرا باز برد در وطنم
(همان: ۶۵۳)

ندانم شیشه عمر که باشد
(همان: ۱۵۴)

گر رود دیده و عقل و خرد و جان، تو مرو
آفتاب و فلک اندر کنف سایه توست
ای که درد سخت صاف‌تر از طبع لطیف
اهل ایمان همه در خوف دم خاتمتند
تو مرو گر بروی جان مرا با خود بر
با تو هر جزو جهان باغچه و بستان است
هجر خویشم منما هجر تو بس سنگ‌دل است

آن همه عزت و غرور و سربلندی ز دست رفت
گرد و غبار بی‌همتی نشسته روی مسلسل
روزی که آسمان نظاره کرد دستان غیرتم
در ما نبود شجاعت انتخاب مرگ سرخ
بنگر تهور و مردانگی و ایستادگی زشمع

- غم غربت و اسارت:

ای نامه که می‌روی به سویش

سر راهت نشینم تا بیایی

تابوت مرا جای بلندی بگذارید

- توکل بر خداوند، یا تسلیم تقدیر شدن:

من به خود نامدم اینجا که به خود باز روم

فلک در آسمان سنگ می‌تراشد

نکته جالب توجه این است که تمام این اشعار در رمان خاطره‌های اُسرا آمده است و این نشانگر همان حس نوستالژی و غم غربت رزمندگان اسیر نسبت به وطن، خانواده، یاران شهید و... است. ردیف‌های شعری «تو مرو»، «زدست رفت» و «حالا چرا» همچنین کلماتی چون: رفتند، هجر، وداع، مفقود، وطن، غریبانه و آوردن نام شخصیت‌هایی نظیر یوسف و سهراب، حس را به‌خوبی به مخاطب منتقل می‌کند و او را به فضای ذهنی نویسنده نزدیک می‌کند. آنجا که نویسنده احساس کرده است نمی‌تواند حس غم غربت و نوستالژی را با زبان عادی بیان کند، دست به دامن شعر شده و ابیاتی را به متن اضافه کرده است. آشنایی نسبی دو نویسنده با گذشته ادبیات فارسی باعث شده تا بیشتر ابیات از شاعران بزرگ ادبیات فارسی باشد که نسبت به اشعار سایر متون پیراسته‌تر است.

۲-۱-۳. نشان‌دادن ویرانی‌ها و بیان اوضاع رنج‌آور مردم و اسرای جنگ

جنگ علاوه بر مناطق مرزی سایر شهرها و مناطق مسکونی کشور را نیز تحت تأثیر قرار داد. برخی از بهترین و آبادترین شهرهای آن روز ایران به‌طور کامل ویران شدند. «تعدادی از این شهرها مانند نفت‌شهر در کرمانشاه کاملاً از بین رفتند و بعد از جنگ نیز دیگر وجودی خارجی ندارند. برخی از شهرها مانند موسیان، دزفول، قصرشیرین، گیلانغرب، سوسنگرد، مهران، خرمشهر، دهلران، آبادان و... آسیب‌های جدی و غیرقابل جبران دیدند» (جعفری، ۱۳۹۰: ۶۷). ۳۸۹۱ روستا در معرض اصابت بمب و موشک و تخریب و تهاجم قرار گرفت. ۳۰ درصد روستاهای غرب‌نشین از نقشه محو شدند. پنج میلیون نفر خانه و شغل خود را از دست دادند و دو و نیم میلیون نفر مجبور به مهاجرت به مناطق غیرجنگی شدند (صنعتی، ۱۳۸۹: ۲۳). این ویرانی‌ها و همچنین اوضاع دردناک مردم مظلوم مناطق مرزی در آثار خاطره‌نگاری جنگ بازتاب گسترده‌ای یافته است.

خانه خون است، کوچه خون است خانه دیده و دل هردو خون است
پشت سنگر مانده بی‌سر پیکر پاک برادر چشم خواهر، چشم مادر مانده بر در ای دلاور
(حسینی، ۱۳۸۸: ۶۵۸)

بشکسته سبوهامان، خون است به دل‌هامان فریاد و فغان دارد دردی کش میخانه
هر سوی نظر کردم هر کوی گذر کردم خاکستر و خون دیدم ویرانه به ویرانه
افتاده سری سویی، گلگون شده گیسویی دیگر نبود دستی تا موی کند شانه
لبخند سروری کو، سرمستی و شوری کو هم کوزه نگون گشته هم ریخته پیمان
آتش شده در خرمن، وای من و وای من از خانه نشان دارد خاکستر کاشانه
(همان: ۶۸۱)

پس از جنگ و بازگشت جامعه به وضعیت عادی، آنچه از جنگ گفته می‌شد دیگر به قصد تهییج و تشویق نبود، بلکه کوشش می‌شد جنگ با همه ابعاد آن ترسیم شود؛ بنابراین سختی‌ها، تلخی‌ها

و صحنه‌های ناخوشایند جنگ نیز به مضمون خاطره‌نویس‌ها وارد شد. در این کتاب‌ها نه به قصد سیاه‌نمایی، که به‌منظور انعکاس همه واقعیت جنگ، حوادث میدان نبرد و پشت جبهه با تمام جزئیات شرح و منتشر شده است (ترکی، ۱۳۹۵: ۲۱۰).

دو کلمه «خون» و «خاکستر» از پرکاربردترین کلمات این اشعار است. جنگ با کشتن و به آتش کشیدن همراه است و حاصل آن نیز چیزی جز خون و خاکستر نیست.

خاطرات آزادگان از دوران سخت اسارتشان هم بخشی از خاطراتی است که سال‌ها بعد از جنگ نگاشته شده است. اسارتی که در ابتدا حتی آزادی و خلاصی از آن برای اسرا قابل تصور نبود. علاوه بر غم غربت، هتاک‌ی و شکنجه‌های افسران و زندانبانان عراقی یکی از دردناک‌ترین لحظات اسارت اسرای ایرانی بوده است. شکنجه‌هایی غیرانسانی که تحمل اسارت را دشوار می‌کرد. در رمان خاطره‌های اسرا مانند پایی که جا ماند و من زنده‌ام بخشی از سختی‌های اسارت به‌خوبی به تصویر کشیده شده است. بیت زیر خطاب به یک افسر زندانبان عراقی به نام «ولید فرحان» است که رفتاری غیرانسانی با اسرای ایرانی داشته است. حسینی‌پور نویسنده کتاب پایی که جا ماند، این کتاب را به این زندانبان تقدیم کرده است.

پست‌تر از عقرب زرد، ای ولید
رذل‌تر از ابو یزید ای ولید
ما زخدا خواسته‌ایم ای ولید
محشور شوی همراه ابن ولید
(حسینی‌پور، ۱۳۹۱: ۶۲۸)

۲-۱-۴. تجلیل از شهدا و رزمندگان

گرایش به دین و مذهب به‌عنوان بنیان انقلاب اسلامی ایران که ادبیات دفاع مقدس در آن بالیده است به همراه تفکراتی آرمانی نظیر ستم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، خداجویی، دیگر خواهی، یادکرد و تکریم انقلابیون تاریخ و... از محورهای معنایی ادبیات دفاع مقدس به حساب می‌آید (کافی، ۱۳۹۱: ۱۷۸). خداوند در قرآن کریم مقام شهید را در مقایسه با دیگران بسیار برتر می‌داند: «لَاتَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (قرآن، آل‌عمران: ۱۶۹). پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز می‌فرماید: «شهادت در راه خدا برترین مرگ است» (عاملی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ۱۵). آیات و احادیث فراوانی درباره شهید و جایگاه او در نزد خداوند آمده است؛ به‌طورکلی در منظومه فکری مسلمانان شهادت در راه خداوند از مفاهیم کلیدی و تأثیرگذار بوده است و برخی آن را عامل حفظ جامعه اسلامی در قرن‌های متمادی دانسته‌اند. در هر دوره‌ای که فرهنگ شهادت در جامعه اسلامی گسترش پیدا کرده، آسیب‌ها و خطرات کمتری آن را تهدید کرده است و در مقابل، هنگامی که این فرهنگ در جامعه کم‌رنگ شده، بیشترین آسیب‌ها به جامعه اسلامی وارد شده است. کسی که از تمام دلبستگی‌های خود چون خانواده، شهر، دوستان و... گذشته است و مهم‌ترین درایی‌اش را، که همان جان اوست، در راه وطن و مذهب خود نثار می‌کند، شایسته تقدیر

است. «کاربرد کلمه شهید برای مبارزان مسلمان در ادوار مختلف تاریخی پیشینه‌ای روشن دارد، اما بسامد استفاده از این کلمه و فرهنگ متعلقات آن همراه با تقدیس آن در ادبیات دفاع مقدس درخششی خاص دارد (صنعتی، ۱۳۸۹: ۲۵). با نگاهی به وصیت‌نامه‌های شهدا درمی‌یابیم که مهم‌ترین هدف و خواسته آن‌ها حفظ دین و کشور بوده است. دین و کشور بدون مردم معنا پیدا نمی‌کند و شهدا خود را فدای مردم کشورشان کرده‌اند. شهدا و جانبازان در آثار خاطره‌نگاری دفاع مقدس جایگاهی بسیار رفیع دارند که دیگران در آرزوی رسیدن به آن مقام هستند و داشتن لیاقت را زمینه به دست آوردن آن می‌دانند. اعتقاد به ولایت اهل بیت (ع)، گمنامی، تهذیب باطن و تلاش از زمینه‌های رسیدن به این لیاقت است. این اشعار دو زمینه معنایی اصلی دارند؛ یکی بیان ملزومات شهادت و دیگری گمنامی و بی‌ادعا بودن شهدا.

- لازمه شهادت داشتن لیاقت و تهذیب باطن:

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند	روبه صفتان زشت‌خو را نکشند
گر عاشق صادقی زمردن مهراس	مردار بود هرآنکه او را نکشند
	(حسینی‌پور، ۱۳۹۱: ۲۶۶)
لیک صیقل کرده‌اند آن سینه‌ها	پاک از آز و حرص و بخل و کینه‌ها
آن صفای آینه وصف دل است	صورت بی‌منتها را قابل است
اهل صیقل رسته‌اند از بوی و رنگ	هر دمی بینند خوبی بی‌درنگ
نقش و قشر علم را بگذاشتند	رایت عین الیقین افراشتند
	(آباد، ۱۳۹۳: ۱۱۲)
ممد نبودی بینی شهر آزاد گشته	خون یارانت پر ثمر گشته
	(همان: ۲۱)
مکن زغصه شکایت که در طریق طلب	به راحتی نرسید آنکه زحمتی نکشید
	(همان: ۲۱۹)

- گمنامی و بی‌ادعا بودن:

گمنام شدن که ذات ابراهیم است	خود قسمتی از حیات ابراهیم است
هشیاری و پهلوانی و دلسوزی	این گوشه‌ای از صفات ابراهیم است
	(گروه فرهنگی شهید هادی: ۱۳۹۹: ۳۸)

کشتن و کشته‌شدن در جهان‌بینی اسلام، اگر برای دفاع از دین، مردم و وطن باشد نه تنها خسران نخواهد بود بلکه ارزشمندی آن قابل وصف نیست. بیان مقام والای شهید و ملزومات رسیدن به آن از اصلی‌ترین زمینه‌های فکری این اشعار است. سخن مشهور شهید حاج قاسم سلیمانی که فرمود «لازمه شهید شدن، شهید زندگی کردن است»، در این اشعار آشکار است. هدف از بیان این جایگاه و ارزشمندی آن از یکسو تهییج و تشویق مخاطب برای رسیدن به آن است و از سوی دیگر بزرگداشت مقام شهید است.

۲-۲. شاعران

نویسندگان آثار خاطره‌نگاری جنگ، از شعر به‌عنوان ابزاری کمکی برای انتقال احساسات خود به مخاطب بهره برده‌اند و هرکجا احساس کرده‌اند زبان شعر در بیان خاطرات، سخن را رساتر می‌سازد به سراغ آن رفته‌اند. در این آثار گاه یک مصرع، گاه یک بیت و گاه یک رباعی یا یک غزل کامل به متن اضافه شده است. شعر کلاسیک فارسی بیشترین نمود را در این آثار دارد و هیچ نمونه‌ای از شعر نو در آن‌ها دیده نمی‌شود. حتی شاعران معاصری که در این آثار از آن‌ها اشعاری داریم (فرخی یزدی، پروین اعتصامی، شهریار و...) عموماً نوپرداز نیستند. می‌توان شاعران این اشعار را در چهار دسته کلی جای داد: ۱. شاعران تراز اول زبان فارسی (۱۱ شاعر) ۲. خود نویسندگان کتاب‌ها یا شخصیت‌های آن (۱۳ شعر) ۳. نوحه‌خوانان مشهور زمان جنگ (۴ شعر) ۴. اشعار محلی و منطقه‌ای (۴ شعر). در برخی از آثار به علت آشنایی نویسنده با پیشینه ادبیات فارسی، از اشعار شاعران بزرگ و تراز اول زبان فارسی نظیر مولانا، سعدی و حافظ در ضمن متن استفاده شده است. بیشترین اشعار آمده در این متون، اشعار مولانا (۱۴ بیت) است. فضای فکری حاکم بر دفاع مقدس فضایی معنوی بوده به همین دلیل اشعار مولانا که وجهه عرفانی آن غالب است بیشتر از سایر شاعران دیده می‌شود. دیگر شاعرانی که اشعاری از آن‌ها در این متون ذکر شده است عبارت‌اند از: خاقانی، عطار، باباطاهر همدانی، فایز دشتستانی، فرخی یزدی، پروین اعتصامی، شهریار و پرویز بیگی حبیب‌آبادی. گاهی نیز اگر نویسنده ذوق ادبی داشته، متناسب با موضوع، شعری سروده و در ضمن متن آورده است. خود شخصیت‌های خاطره نیز در شرح احوال خود اشعاری دارند. برخی از اشعار نوحه‌خوانان معروف جنگ، مانند صادق آهنگران و غلامعلی کویتی‌پور نیز در آن زمان بسیار مورد توجه مردم قرار گرفت و بر سر زبان‌ها افتاد.

۲-۳. نقد و تحلیل کیفیت ادبی اشعار

خاطره‌نگاری با رویکردی ادبی، زیبا و خواندنی است و مخاطبان متعدد و متنوعی دارد. با این رویکرد اصل بر رعایت قواعد ادبی ژانر است، اما تاریخ، زمانی خاطره‌نگاری را می‌پذیرد که مستند باشد. در این وادی شاید زیبایی نثر و چینش هنرمندانه کلمات در کنار هم چندان به‌کار نیاید چراکه مکتوبات این حوزه همگی سند هستند و ثبت برخی از واقعیات تاریخ (فروغی جهرمی، ۱۳۸۳: ۸). متون خاطره‌نگاری دفاع مقدس سرشار از احساسات و عواطف نویسندگان است چیزی که شاید به مذاق تاریخ‌نویسان خوش نیاید و آن را دلیلی بر بی‌اعتباری تاریخی آن سند بدانند. اما همه این خاطرات، اسناد تاریخ شفاهی ملت ما در دهه‌های اخیر هستند که از قضا از نظر ادبی هم قابلیت تحلیل دارند. امروزه کسی در سند بودن کتاب تاریخ بیهقی درباره تاریخ غزنویان شکی ندارد؛ اما با وجود این همه محققان بزرگ بر مهارت نویسندگی بیهقی و ادبی بودن کتاب نیز اتفاق نظر دارند و

درباره ادبیت آن کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته‌اند. به هر صورت یکی از وجوه ادبیت آثار خاطره‌نگاری دفاع مقدس وجود اشعاری در لابه‌لای متن است.

در نگاه اول به نظر می‌رسد چون خاطره‌نگاری‌ها، منعکس‌کننده مسائل واقعی هستند، زبان ادبی ندارند؛ اما اگر به محتوای این آثار بنگریم با مفاهیم عاطفی و انسانی بسیاری نظیر غم غربت و عشق به وطن و خانواده روبه‌رو می‌شویم که در حوزه ادبیات غنایی جای می‌گیرند. یکی از اهداف آمدن شعر در میان این متون را می‌توان پررنگ کردن زبان عاطفی آن دانست. اشعاری که از شاعران تراز اول زبان فارسی نقل شده است. از نظر زیباشناسی در جایگاه بالایی هستند و ساختار زبانی بدون ایرادی دارند. اما بقیه اشعار از نظر زیباشناسی، وزن و قافیه و ساختار دستوری نارسایی‌هایی دارند؛ به‌عنوان مثال اشعاری که توسط نوحه‌خوانان معروف جنگ نظیر صادق آهنگران و غلام کویتی‌پور خوانده شده، به علت نوع خاص خوانش و همچنین تنگنای زمانی برای سرودن، صور خیال و تخیل شعری چندان بالایی ندارد و از نظر وزن و قافیه نیز مشکلاتی دارد.

مولا اگر در کربلا نبودیم، حسین جان تا یاریت از جان می‌نمودیم
 اکنون همه گوئیم یکسر لیک مولا حسین لب تشنه بی‌سر لیک
 (گروه فرهنگی شهید هادی، ۱۳۹۹: ۸۶)

اشعاری که سروده نویسندگان کتاب‌ها یا شخصیت‌های آن است نیز از نظر ادبی و زبانی بی‌عیب نیستند. به‌غیر از رمان خاطره‌های من زنده‌ام و پایسی که جا ماند که به علت آشنایی نسبی نویسنده با ادبیات فارسی بیشتر از اشعار شاعران بزرگ استفاده کرده‌اند، بقیه آثار خاطره‌نگاری دارای اشعاری از خود نویسندگان و شخصیت‌های خاطره هستند. این اشعار جوهره شعری چندان بالایی ندارند و در حقیقت بیشتر نظم هستند تا شعر.

پست‌تر از عقرب زرد، ای ولید رذل‌تر از ابو یزید ای ولید
 ما زخدا خواسته‌ایم ای ولید محشور شوی همراه ابن ولید
 (حسینی‌پور، ۱۳۹۱: ۶۲۸)

اشعار محلی که به این متون راه پیدا کرده، بیشتر برگرفته از تصنیف‌های عامیانه و یا اشعار رایج در بین مردم است. اشعاری که شخص در مواقع دل‌تنگی خودش زمزمه می‌کند. برخی از این اشعار چون برای تصنیف سروده شده‌اند، زبانی ساده و تخیلی کمتر دارند.

ای نامه که می‌روی به سویش از جانب من بیوس رویش
 (حسینی‌پور، ۱۳۹۱: ۴۵۰)

سر راهت نشینم تا بیایی به قربانت کنم هرچه بخواهی
 (همان: ۴۵۰)

تابوت مرا جای بلندی بگذارید تا باد برد سوی وطن بوی تنم را
 (همان: ۲۸۵)

در برخی از این آثار نیز اشعاری به زبان‌های عربی و کردی (در حد چند مصرع) نیز دیده می‌شود. علت آن نیز محدوده زندگی نویسنده، اسارت در عراق و کرد یا عرب‌زبان بودن شخصیت‌های خاطره است.

عربی: اِشْمَالِجِ تُونین آه یا دارالحسین
خَلُونی و خَلُوجِ بَكَدَر آه یا دارالحسین
(حسینی، ۱۳۸۸: ۲۱۲)

کردی: مَه کَه مَه کَه
تَفَنگ کوله الشونی
پام نین دَه ریه گَه
سقیاده نو کلونی
(همان: ۷۳۱)

نتیجه‌گیری

در گذشته ادبیات فارسی مسائلی چون آموزش مخاطب و اظهار فضل از اهداف اصلی نویسندگان در آوردن شواهد مثال شعری بوده است. در آثار خاطره‌نگاری دفاع مقدس بیشتر جنبه عاطفی و انگیزشی شعر مورد توجه نویسندگان است. کارکرد اشعار در متون خاطره‌نگاری جنگ بسیار متنوع است؛ اما به‌طور کلی می‌توان آن را در چهار زمینه معنایی اصلی زیر قرار داد:

۱- بیان دلآوری رزمندگان و تهییج مخاطب (اشعار حماسی و شعارگونه)؛ دو مفهوم اصلی مطرح‌شده در این اشعار، وجوب پیروی از رهبری و ادامه راه شهدا و شجاعت و نهراسیدن از مرگ است. این ابیات با بیانی حماسی سعی در تشویق و ترغیب مخاطب به مبارزه با دشمن دارد. دو کلمه کربلا و شهید از کلمات پرکاربرد این اشعار است که نشان‌دهنده بهره‌گیری از بن‌مایه‌های مذهبی است. همچنین کاربرد کلماتی مانند آزادی، وطن و تنگه‌هرمز نیز بن‌مایه‌های ملی این اشعار است.

۲- بیان اوضاع اسارت غم غربت (اسیری)؛ ابیاتی که در رمان خاطره‌های اسارت ذکر شده است، بیشتر غم غربت و از دست دادن عزیزان را برجسته کرده‌اند. دوری از وطن، خانواده، هم‌رزمان و شهدا، همه از جمله عواملی هستند که زمینه‌ساز ورود ابیات به متن شده‌اند و شخص اسیر را به مقاومت در برابر سختی‌ها دعوت کرده‌اند. حس نوستالژی نسبت به وطن و از دست دادن عزیزان از اصلی‌ترین بن‌مایه‌های فکری این اشعار است.

۳- تجلیل از مقام والای شهدا و رزمندگان؛ مفاهیمی چون داشتن لیاقت برای شهادت و گمنامی و بی‌ادعا بودن شهدا مهم‌ترین مفاهیم بیان‌شده در اشعاری است که با این مضمون آمده‌اند.

۴- بیان پیامدهای دردناک جنگ و ویرانی‌های آن؛ دو کلمه «خون» و «خاکستر» از پرکاربردترین کلمات این اشعار است. جنگ با کشتن و به آتش کشیدن همراه است و حاصل آن نیز چیزی جز خون و خاکستر نیست.

شعر کلاسیک فارسی بیشترین نمود را در این آثار دارد و هیچ نمونه‌ای از شعر نو در

آن‌ها دیده نمی‌شود. حتی شاعران معاصری که در این آثار اشعاری از آن‌ها داریم، عموماً نوپرداز نیستند. بیشترین اشعار ذکرشده از مولانا است؛ علت آن نیز وجهه عرفانی اشعار اوست چراکه فضای فکری جنگ، فضایی معنوی و عرفانی بوده است. اشعاری که از شاعران تراز اول زبان فارسی نقل شده است از نظر زیباشناسی در جایگاه بالایی هستند و ساختار زبانی بدون ایرادی دارند؛ اما بقیه اشعار از نظر زیباشناسی، وزن و قافیه و ساختار دستوری نارسایی‌هایی دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. آه ای سرای حسین چرا می‌نالی - من و تو را در تیرگی نهادند ای سرای حسین
۲. ای ماه زیبا! ای ماه زیبا-پدر بزرگ مرا ندیدی در راه
۳. در حالی که تفنگی بر دوش دارد- به بیشه شیران می‌رود

کتابنامه

- قرآن کریم. (۱۳۹۸). ترجمه حسین انصاریان. مشهد: آستان قدس رضوی.
- آباد، معصومه. (۱۳۹۳). *من زنده‌ام: خاطرات دوران اسارت معصومه آباد*. تهران: انتشارات بروج.
- ترکی، محمدرضا. (۱۳۹۵). *ادبیات انقلاب اسلامی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- جعفری، مجتبی. (۱۳۹۰). *سفیران ویرانی: تلفات و خسارت‌های ناشی از حملات موشکی عراق*. تهران: نشر پیام آزادگان.
- حسینی، سیده‌اعظم. (۱۳۸۸). *دا: خاطرات سیده‌زهرا حسینی*. تهران: انتشارات سوره مهر.
- حسینی‌پور، سیدناصر. (۱۳۹۱). *پایی که جا ماند: یادداشت‌های روزانه سیدناصر حسینی‌پور از زندان‌های مخفی عراق*. تهران: انتشارات سوره مهر.
- حرعاملی، محمدابن حسن. (۱۳۷۱). *وسائل الشیعه*. نسخه دیجیتال. قم: موسسه آل‌البیت.
- خزائلی، احمد. (۱۳۶۶). *شرح گلستان سعدی*. تهران: نشر جاویدان.
- خطیبی، حسین. (۱۳۷۵). *فن نثر در ادب فارسی*. تهران: نشر زوار.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۷۷). «ادبیات پایداری». *نامه پژوهش*. س ۹. ش ۹.
- شرفیان، مهدی. (۱۳۸۶). «بررسی نوستالژی غم غربت در اشعار فریدون مشیری». *دانشگاه الزهرا*. ش ۱۷ (۶۸). صص ۸۴-۶۴.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). *سبک شناسی نثر*. تهران: نشر میترا. چاپ دوازدهم.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۱). *تاریخ ادبیات ایران*. جلد دوم. تهران: انتشارات فردوس.
- صنعتی، محمدحسین. (۱۳۸۹). *آشنایی با ادبیات دفاع مقدس*. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- فروغی‌جهرمی، محمدقاسم. (۱۳۸۳). *گامی در راه علمی شدن خاطره‌نویسی: مجموعه مقالات اولین همایش علمی خاطره‌نویسی*. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- کافی، غلامرضا. (۱۳۹۱). «همگرایی معنایی میان شعر و داستان دفاع مقدس». *ادبیات پایداری*. ش ۷. صص ۲۱۴-۱۷۷.
- کرمی، یوسف؛ احمدی، میثم. (۱۳۹۸). «تأملی در نثر ترجمه سرگذشت حاجی بابای اصفهانی». *بهار ادب*. ش ۴۶.
- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی (۱۳۹۹). *سلام بر ابراهیم: زندگی‌نامه و خاطرات شهید ابراهیم هادی*. چاپ صدوچهل و پنجم. تهران: نشر شهید ابراهیم هادی.

۳۸ پژوهشنامه فرهنگ و ادبیات آیینی، دوره ۳، شماره ۱، پیاپی ۵، بهار و تابستان ۱۴۰۳

محمدی، عبدالله. (۱۳۹۲). *نوستالژی در آثار داستانی صادق چوبک*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

یوسفزاده، احمد. (۱۳۹۴). *آن بیست و سه نفر*. تهران: انتشارات سوره مهر. چاپ بیست و دوم.